

ناکامورا کیمی نوری پژوهنده ادب فارسی معاصر در شعر ژاپن هم صاحب قریحه است و «شوفو» تخلص می‌کند. شعرهای او بیشتر در دفترهای شعری «کوسوموس» (کیهان) چاپ شده است. شعری با عنوان «تهی شدن» ازین سراینده پراحساس در دفتر نخست کِلک و یژه ژاپن (شماره ۶۵) درج شد. چند شعر دیگر وی که خانم شیمانو کونیکو دانشجوی سال چهارم رشته ایرانشناسی دانشگاه مطالعات خارجی اوسا کا به فارسی روان در آورده است، در زیر می‌آید.

تجسم

تجسم آب و نور

می‌شکوفاند

گل قرمز یکدست را

خاک در گلدان سفالی

اندکی است.

آدم‌ها هم

پیش می‌آیند، به سویی نور

آهسته

با قدم آرام.

اما، ای انسان

فراگذر
قشنگی سوسن را
آن قشنگی نادر را.

آینه

باز تاباندن و باز تابیدن چگونه است،
و منعکس شدن در برابر هم.
این جهان که تصویر کیهان پیش است.
این جهان که نهران سرای موقت است.

عقل

عقل، ای عقل!
عقل پرواز کردن در آسمان
اگر ترا ترک بگویم
دیگر آدم نیستم.
دانستی
اندوه آدمی را!
آه، از رها کردنت ناتوانم.

۲۴۰



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

عقل دیوانه می شود؛
انگیزه های سخت،
خواستار شناختن هر چیز
و فهمیدن همه کیهان.

عقل، عقل را می خورد.
من از قبیله آدم خوارم،
و مایه همه دعواها عقل.

آه، عقل،
اگر می توانستم ترا رها نکنم!